

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شتر

چهارشنبه ۱ مهر ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۴۸۲۸ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۵:۵۴



با توجه به تأثیر باقی‌ماندن دیوارهای زندان رجایی‌شهر بر سیمای شهری و ایجاد شایبه درباره تعطیلی آن، رئیس قوه قضائیه در سفر ششم اسفند ۱۴۰۴ به استان البرز، دستور تخریب دیوار زندان را صادر کرد. اجرای این دستور کمتر از ۴۸ ساعت بعد، در هفتم اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، اما با وقوع جنگ تحمیلی سوم و بروز برخی موانع، عملیات تخریب کامل دیوارها در شهریورماه ادامه دارد. عکس: معصومه علی‌اکبر، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

آموزش در شرایط اضطرار



محمدرضائیک‌زاد

صنّعی، سمن‌های فعال در حوزه کودکي و معلمان دلسوز و پیگیر، فراخوانده می‌شوند تا در این زمینه آگاهی‌های بیشتری به دست آورده و تجربه‌ها و مهارت‌های خود را با همکاران و همراهان خود و دیگر گروه‌های اجتماعی هم‌رسانی کنند». در پایان، بخشی از یادداشتی کوتاه درباره ضرورت توجه به «آموزش در شرایط اضطرار» را با هم می‌خوانیم، باشد که بتوانیم از راهکارها و تجربه‌های جهانی و ملی در این زمینه بهره بگیریم و امیدوار باشیم به تأثیر آن بر آموزش، آموزگاران و دانش‌آموزان گرفتار در بحران‌های گوناگون؛ حتی تأثیر بر یک معلم در یک کلاس کوچک روستایی. «آموزش در شرایط اضطرار فقط به معنای ادامه فرایند یادگیری نیست، بلکه در شرایط بحران، آموزش می‌تواند نقشی اساسی در حفظ حقوق کودکان، حمایت و حفاظت از آنان و حتی کاهش یا تشدید منازعات داشته باشد. در بررسی «آموزش در شرایط اضطرار» سه رویکرد کلیدی قابل توجه است:

۱- آموزش به عنوان یک حق بنیادین انسانی: حتی در تارک‌ترین زمان‌ها، یعنی در میانه جنگ‌های ویرانگر، بحران‌های عمیق سیاسی یا بی‌ثباتی‌های شدید اجتماعی، دسترسی به یادگیری و محیط‌های آموزشی نباید به عنوان

یادداشت

مسئله فقط بازگشایی مدارس نیست



مهدی‌ملک‌محمد

روانشناس

اینها را نبینیم، ممکن است اولین واکنش‌مان این باشد که برنامه درسی را فشرده‌تر کنیم؛ تکلیف بیشتر، آزمون بیشتر، کلاس تقویتی بیشتر و تأکید بیشتر بر اینکه «باید عقب‌ماندگی‌ات را جبران کنی». اما آیا واقعاً چیزی که یک دانش‌آموز مضطرب به آن نیاز دارد، فشار بیشتر است؟ آموزش مهم است اما یادگیری فقط با اضافه‌کردن ساعت درس اتفاق نمی‌افتد. ذهنی که مدام درگیر نگرانی و ارزیابی قرار است، بخشی از توان خود را صرف همین نگرانی می‌کند، نمی‌شود از چنین دانش‌آموزی انتظار داشت مانند دانش‌آموزی که احساس امنیت و ثبات دارد، روی درس تمرکز کند. البته مسئله فقط جنگ و شرایط سیاسی نیست. شاید شرایط امروز فرصتی باشد برای اینکه به بعضی عادت‌های قدیمی خودمان هم نگاه کنیم؛ یکی از آنها، تبدیل مدرسه به میدان رقابت دائمی است. از همان روزهای اول مدرسه، بچه‌ها می‌شوند که باید بیشتر تلاش کنند، از دیگران عقب نمانند، نمره بهتری بگیرند و برای آینده آماده باشند. این حرف‌ها به‌خودی‌خود مشکلی ندارند. مشکل زمانی شروع می‌شود که دانش‌آموز احساس کند اگر موفق نشود، فقط یک نمره را از دست نداده؛ بلکه خودش را هم باخته است.

پدر و مادرها هم در این میان وضعیت ساده‌ای ندارند. والدی که از آینده فرزندش می‌ترسد، لزوماً والد سخت‌گیری نیست. ممکن است خودش واقعاً نگران باشد. وقتی آینده اقتصادی نامطمئن است و خبرهای سیاسی هر روز تغییر می‌کنند، طبیعی است که نگرانی درباره آینده فرزند بیشتر شود. اما نگرانی وقتی به فشار تبدیل می‌شود، می‌تواند برای دانش‌آموز معنای دیگری پیدا کند. کلاس اضافه، آزمون بیشتر، برنامه فشرده‌تر و مقایسه با دیگران، ممکن است همه از یک نگرانی واقعی شروع شده باشند؛ اما نتیجه‌شان می‌تواند افزایش اضطراب دانش‌آموز باشد. پشت بخشی از این فشارها، هیجان دیگری هم هست که کمتر درباره‌اش حرف می‌زنیم: شرم. احساس گناه معمولاً می‌گوید «کار اشتباهی انجام داده‌ام»، اما شرم می‌تواند به این درک برسد که «من به اندازه کافی خوب نیستم». اگر دانش‌آموز بارها این پیام را دریافت کند که ارزشش به نمره و رتبه و قبولی‌اش وابسته است، شکست تحصیلی دیگر فقط شکست در یک آزمون نیست؛ ممکن است تبدیل شود به قضاوتی درباره خودش. نمره و رتبه مهم

مهر امسال برای خیلی‌ای از خانواده‌ها شبیه مهرهای قبل نیست. دانش‌آموزان، سال گذشته تحصیلی را در شرایطی گذراندند که جنگ و ابهام، شکل عادی زندگی را به هم ریخته بود. مدارس پس از نهم اسفند غیرحضورى شدند و دانش‌آموزان بسیاری از پایه‌ها حتی در زمان امتحانات خرداد هم در مدرسه حضور نداشتند. حالا دوباره قرار است مدرسه‌ها به‌صورت حضوری باز شوند و وزارت آموزش‌وپرورش بارها بر آمادگی برای این بازگشایی تأکید کرده است. وزیر آموزش‌وپرورش نیز در روزهای اخیر گفته است: «امروز اولین وظیفه ما بازگشایی آرام، بی‌دغدغه و حضوری مدارس است که تمام برنامه‌های لازم در این حوزه انجام شده است».

این تأکید قابل فهم است. مدرسه باید باز شود و آموزش حضوری اهمیت زیادی دارد. اما در کنار این حرف، یک سؤال روان‌شناختی هم وجود دارد: آیا وقتی می‌گوییم بازگشایی باید «بی‌دغدغه» باشد، واقعاً می‌توان دغدغه را با برنامه‌ریزی اداری از بین برد؟ مسئله اینجاست که بیرون از مدرسه هنوز قطعیت و آرامشی که برای یک شروع معمولی سال تحصیلی لازم است، وجود ندارد. محاصره دریایی، تنش‌های موجود در تنگه هرمز، تهدیدات مکرر رهبران آمریکا و رژیم اسرائیل، تحریم‌های اقتصادی و خبرهای بی‌دریی درباره آینده، بسیاری از خانواده‌ها را در وضعیتی قرار داده که پیش‌بینی چند ماه آینده آسان نباشد. برای سیاست‌مدارها اینها موضوعاتی درباره امنیت ملی، مذاکره و روابط بین‌الملل است اما برای یک خانواده، بخشی از این ماجرا معنای ساده‌تری دارد: آینده‌مان چه می‌شود؟ و برای یک دانش‌آموز

کودک یا نوجوان، شاید سؤال حتی ساده‌تر باشد: فردا مدرسه می‌روم؟ دانش‌آموز لازم نیست اخبار سیاسی را دنبال کند تا فقدان اطمینان را بفهمد. کافی است تغییر رفتار بزرگ‌ترها را ببیند؛ موبایل‌هایی که بیشتر چک می‌شوند، نگرانی درباره قیمت‌ها و جمله‌هایی که وسط صحبت ناگهان قطع می‌شوند. بچه‌ها خیلی بیشتر از آنچه فکر می‌کنیم فضای روانی خانه را می‌فهمند. اسم این وضعیت را از منظر روان‌شناختی می‌توان فقدان اطمینان گذاشت؛ اما برای کودکان و نوجوانان، نااطمینانی یک اصطلاح روان‌شناختی نیست، بلکه به این معنی است که نمی‌دانند چند ماه دیگر چه خواهد شد و آیا دوباره چیزی قرار است برنامه زندگی‌اش را به هم بزند یا نه. اینجاست که شاید لازم باشد درباره چیزی حرف بزنیم که کمتر درباره‌اش صحبت می‌کنیم: «مدرسه امن».

مدرسه امن فقط مدرسه‌ای نیست که ساختمانش سالم باشد و کلاس‌هایش دایر. مدرسه برای دانش‌آموز باید جایی باشد که بتواند چند ساعت از نگرانی‌های بیرون فاصله بگیرد؛ با دوستانش حرف بزند، بازی کند، سؤال بپرسد، چیزی یاد بگیرد و احساس کند دنیا، دست‌کم در همین چند ساعت، نظم قابل‌فهمی دارد. مسئله این است که دانش‌آموزان امسال فقط با چند ماه عقب‌افتادگی آموزشی وارد مدرسه نشده‌اند. ممکن است اضطراب، بی‌ثباتی و تجربه گسست را هم با خودشان آورده باشند. اگر

یاد

به یاد سیروس ابراهیم‌زاده

آن صدای خاص

مازیار معاونی

نامی که در روز سی‌ام شهریور از دستش دادیم، از نام‌هایی بود که برای چند نسل از بینندگان آثار نمایشی، خاطرات بسیاری را زنده می‌کرد. هنرمندی که در دومین دهه قرن پیش زاده شد و از سال ۱۳۳۴ خورشیدی یعنی بیش از ۷۰ سال پیش از این با بازیگری در عرصه تئاتر پا به دنیای پرفرازونشیب نمایش گذاشت. تاملی در کارنامه هنری سیروس ابراهیم‌زاده نشان می‌دهد او از همان غنغوان جوانی کار در عرصه هنر بازیگری را در کنار بزرگانی همچون دکتر مصطفی اسکویی، مؤسس تئاتر آناهیتا و از جایی آغاز کرد که بسیاری از بزرگان سال‌های بعدی هنر نمایش در آن پرورش یافتند.



نکته شایان تأمل اینکه ابراهیم‌زاده پس از همکاری با این تئاتر که بر مبنای آموزه‌های روسی مکتب استانیسلاوسکی اداره می‌شد، برای افزایش دانش بازیگری راهی کشور انگلیس شد و با اخذ مدرک کارشناسی ارشد تئاتر از آن کشور که برخاسته از نگاهی متفاوت از رویکرد روسی به تئاتر و هنر بازیگری بود، به دیدگاهی جامع‌تر نسبت به این هنر ارزشمند رسید. ابراهیم‌زاده که تحصیل در رشته زبان و ادبیات انگلیسی و رشته موسیقی را هم در توشه تحصیلی خود داشت، هم‌زمان با کار تئاتر که بیشتر به بازیگری و کمتر به کارگردانی اختصاص داشت، از همان سال‌های نخست همکاری با تلویزیون را آغاز کرد که برای نزدیک به نیم‌قرن ادامه یافت. با صرف‌نظر از آثاری که تحت پوشش تلویزیون خصوصی ثابت‌پاسال ساخته و پخش شده‌اند و به دلیل نقص در مدارک آرشیوی دسترسی به اطلاعات آنها میسر نیست، مجموعه دنباله‌دار «سراکار استوار» که یک کمدی اجتماعی بود و از اواخر دهه ۴۰ تا اوایل دهه ۵۰ روی آنتن شبکه اول تلویزیون ملی ایران بود، نخستین اثرش به‌عنوان بازیگر بود و در کارگردانی یکی از اپیزودها همکاری داشت. پس از این سریال، ابراهیم‌زاده دیگر به کارگردانی مجموعه‌های نمایشی تمایلی نشان نداد و افزون بر بازیگری که به‌عنوان حرفه اصلی و تمام‌وقت او شناخته می‌شد، کارگردانی چندین تله‌تئاتر را هم به کارنامه کاری خود اضافه کرد که در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۰ خورشیدی تولید و پخش شدند و برخی از آنها همچون «زارع شش‌پاگو»، «زجمله تئاترهاى تلویزیونی شناخته‌شده‌تر محسوب می‌شدند. علاوه بر جنس بازی خاص که تسلط عجیب بر میمیک صورت از بارزترین ویژگی‌های آن بود، زنده‌یاد ابراهیم‌زاده برای بسیاری از مخاطبان سال‌های دور تلویزیون با ظنن خاص صدایش شناخته و به جای آورده می‌شد؛ ظننی که اکسوزگذارى بر روى حرف و مشهد تلفظ‌کردن آنها و تلفظ نزدیک واژه‌های «سین» و «شین» به یکدیگر از مهم‌ترین شاخص‌های آن بود که جنس صدای او را بسیار خاص و قابل تشخیص کرده بود. جالب اینکه ابراهیم‌زاده با همین جنس خاص صدا، با واحد دوبلاژ تلویزیون هم برای مدت‌زمانی نه‌چندان طولانی همکاری داشت و صدایش را هنوز هم می‌توان در بازپخش برخی از سریال‌های خارجی پخش‌شده در نیمه دوم دهه ۶۰ خورشیدی در قالب نقش‌های مکمل شنید که گویندگی به جای خلیبانان انگلیسی نقش‌های مکمل و فرعی در سریال درخشان «ارث‌ش سری» ازجمله آنهاست. اگرچه فقط با چند ماه عقب‌افتادگی آموزشی وارد مدرسه نشده‌اند. ممکن است سریال‌های نمایشی و تئاترهاى تلویزیونی درخور توجه است. اما این بازیگر همچون بسیاری از دیگر بازیگران نقش‌های مکمل، با برخی از نقش‌آفرینی‌های شاخص بیشتر به یاد آورده می‌شود که از آن میان می‌توان به بازی در سریال نوروزی دهه‌شصتی «گالش‌های مادرپزرگ»، مجموعه دنباله‌دار کاکتوس و سریال تاریخی-مذهبی «ولایت عشق» در تلویزیون وفیلم‌های سینمایی «همسر» و «چهره» در مدیوم سینما اشاره کرد که ابراهیم‌زاده فقید با همان جنس خاص بازی، میمیک صورت، ظنن منحصربه‌فرد صدا و دیالوگ‌گویی چکشی و کوتاه‌کوتاه خود، بیشتر از سایر نقش‌آفرینی‌هایش در یاده‌ماند.

نقدخوانی

درباره «نفرین توقیف»

فیلم جدید محسن امیریوسفی

کمدی مخوف

شهرزاده‌متمی

«نفرین توقیف»، جدیدترین فیلم محسن امیریوسفی، روان‌تکتر قصه‌های موجودی عجیب در دل وقایع اجتماعی است؛ فیلمی که در آن نگاه طنز و خاص فیلم‌ساز، غم و شادی را به شکلی جون‌آمیز در هم می‌آمیزد تا یک کمدی سیاه و مخوف شکل بگیرد؛ تجربه‌ای متفاوت که نمونه آن را کمتر می‌توان در سینمای ایران سراغ گرفت. این جهان البته برای مخاطبان سینمای امیریوسفی چندان ناآشنا نیست. او در سال ۱۳۸۲ با نخستین فیلمش، «خواب تلخ»، و روایت داستان پیرمرد مرده‌شوری که با عزرائیل می‌جنگد، مسیری را آغاز کرد با نگاهی منحصربه‌فرد، طنز، تلخ و گروتسک به مرگ، زندگی و مناسبات اجتماعی. «خواب تلخ» در جشنواره فیلم فجر سال ۸۲ پذیرفته نشد، اما سال بعد در جشنواره کن

۲۰۰۴ درخشید و تماشاگران خارجی سینمای ایران برای اولین‌بار توانستند با فیلمی طنز، متفاوت و نامتعارف ارتباطی جدی برقرار کنند. سرنوشت «خواب تلخ» اما در ایران متفاوت بود و به دلیل شوخی با عزرائیل و ارائه شخصیت پیرمردی دیکتاتور در یک قبرستان توقیف شد ولی او همین نگاه طنزآلود و گروتسک را در فیلم‌های بعدی خود، «آتشکار» (۱۳۸۵) و «آشغال‌های دوست‌داشتنی» (۱۳۹۱) نیز ادامه داد؛ ولی هر سه فیلم نخست او، با وجود داشتن پروانه ساخت، هرکدام سال‌های زیادی در توقیف ماندند و سرانجام تنها پس از بیکری‌ها و تلاش‌های طولانی فیلم‌ساز و البته با محدودیت‌های بسیار، امکان اکران پیدا کردند. ماجرا اما در سال ۱۳۹۸ وارد مرحله تازه‌ای شد؛ زمانی که اعلام شد نسخه جدیدی از فیلم امیریوسفی با نام «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» وجود دارد؛ نسخه‌ای که بهروز وثوقی بازیگر نامدار سینمای ایران، برای نخستین‌بار پس از انقلاب ۵۷ در یک فیلم تولید ایران بازی کرده بود و انتشار همین خبر کافی بود تا فیلم بار دیگر به مرکز یک مناقشه سیاسی و فرهنگی تبدیل شود. این خبر با واکنش رسانه‌های تندرو و وزارت ارشاد مواجه شد و امیریوسفی به دلیل همکاری سینمایی با وثوقی، حتی به تلاش برای زنده‌کردن خاندان پهلوی متهم شد. نتیجه تکراری بود و «آشغال‌های دوست‌داشتنی اصل» هم توقیف شد. سال‌ها توقیف فیلم‌های خواب تلخ (۱۳سال)، آتشکار (چهار سال)، آشغال‌های دوست‌داشتنی (شش سال) و آشغال‌های دوست‌داشتنی (هفت اصل با حضور بهروز وثوقی (هفت سال) که عملاً متحمل ۲۹ سال توقیف در ۲۳ سال فیلم‌سازی می‌شود و شدت‌گرفتن برخورد‌ها و اجحاف‌ها، اما امیریوسفی را به دلسردی از سینما، کنارگذاشتن فیلم‌سازی با مهاجرت نکشاند، در مقابل، تجربه این سال‌ها او را به تصمیم دیگری رساند؛ اینکه این‌بار فیلم تازه‌اش را بدون مجوز و بدون امید به اکران در ایران بسازد. تصمیمی که شاید بتوان آن را نتیجه مستقیم بیش از دو دهه مواجهه یک فیلم‌ساز با سازوکار توقیف دانست؛ «نفرین توقیف» از همین نقطه شکل می‌گیرد؛ یک کمدی سیاه مخوف و مستقل. قصه‌های عجیب فیلم با طنز سیاه و گروتسک امیریوسفی و از دل وقایع انقلاب آغاز می‌شوند و با شخصیت عجیبش پیش می‌آیند و در نهایت «نفرین توقیف» برای نخستین‌بار از زاویه‌ای منحصربه‌فرد، وقایع تلخ می‌ماه ۱۴۰۴ را بدون سانسور و با صراحت در قالب یک فیلم سینمایی ثبت کرده و به تصویر کشیده است؛ اتفاقی که فیلم تازه امیریوسفی را علاوه

بر یک تجربه سینمایی، به اثری درگیر با حافظه سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل می‌کند. این البته نخستین‌بار نیست که امیریوسفی وقایع سیاسی معاصر را وارد جهان قصه‌های سینمایی خود می‌کند. او پیش از این نیز در سال ۱۳۹۱ با ساختن «آشغال‌های دوست‌داشتنی» برای نخستین‌بار در سینمای ایران اعتراضات و وقایع پس از انتخابات سال ۸۸ را به‌طور مستقیم و بی‌پرده در یک فیلم سینمایی ثبت کرده بود. نخستین نمایش «نفرین توقیف» در بخش رسمی هفتمادین دوره جشنواره فیلم لندن از ۷ تا ۱۸ اکتبر (۱۵ تا ۲۶ مهر) خواهد بود.

۱۰ برابر

رئیس سازمان غذا و دارو اظهار کرد: در برخی موارد، هزینه حمل مواد اولیه بین شش تا بیش از ۱۰ برابر افزایش یافته و زمان حمل نیز طولانی‌تر شده است.

۴ مترمربع

ایلنا: یونس طرهانی، گفت: «سرانه فضای هر زندانی، در حالی که طبق ماده ۱۱۲ قانون برنامه هفتم پیشرفت باید ۱۳ مترمربع باشد، اکنون به حدود چهار مترمربع رسیده است»

۲۳ سانتی متر

میانگین افت سالانه تراز دریای خزر از حدود ۷.۵ سانتی متر در سال‌های قبل از ۲۰۲۰، به حدود ۲۰ سانتی متر در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ و ۲۳ سانتی متر در سال ۲۰۲۶ رسیده است.